



بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران

پدیدآورنده (ها) : هنریان، مسعود؛ یونسی، سید جلال

حقوق :: نشریه قضاوت :: خرداد و تیر ۱۳۹۰ - شماره ۷۰

صفحات : از ۱۲ تا ۱۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/868860>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- مقالات: بررسی عوامل موثر در بروز طلاق در افراد متقاضی طلاق در تهران
- تحلیل انتقادی گفتمان صدور انقلاب امام خمینی قدس سره (۱۳۵۷-۶۰)
- واکاوی منشور اقدام ملی و تأثیر آن بر وضعیت سیاسی بحرین
- تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه و بررسی نقش ایران
- عوامل واگرایی کشورهای خاورمیانه در دهه های اخیر
- بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران (پایان)
- صورت بندی گفتمان مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
- تحلیل نگرش کارشناسان حقوقی به دلایل درخواست طلاق زوجین در دادگاه های خانواده شهر تهران
- علل و عوامل طلاق در جامعه و جنبه های مختلف آن
- مولینا جلال الدین بلخی و شمس تبریزی
- معرفت شهودی در کلام شمس تبریزی
- تحلیل شخصیت شمس و ارتباط وی با مولوی از دیدگاه روانشناسی با تکیه بر نظریه شخصیت کارن هورنای

عناوین مشابه

- بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران
- بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران (پایان)
- بررسی تاثیر الگوهای همسرگزینی در طلاق قطعی (مورد مطالعه: مراجعه کنندگان به دادگاه های حمایت خانواده شهر تهران از دی ماه ۹۷ تا آخر خرداد ۹۹)
- بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده های شهرستان ایزه
- بررسی علل و عوامل ارتقای منزلت اجتماعی پرسنل نظامی از دیدگاه خانواده های آنان در تهران
- تحلیل نگرش کارشناسان حقوقی به دلایل درخواست طلاق زوجین در دادگاه های خانواده شهر تهران
- بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده ی شیراز
- بررسی و مقایسه ویژگیهای نقاشی خانواده در کودکان طلاق و کودکان غیر طلاق در دوره پیش دبستانی (دوره آمادگی) منطقه ۱۱ شهر تهران، سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴
- بررسی علل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پرخاشگری در میان خانواده های تبریز
- بررسی اثرگذاری راهکارهای روبهرو شدن با استرس و بهداشت روانی در فرزندان خانواده های طلاق و غیرطلاق

بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران

قسمت اول

◀ دکتر سیدجلال یونسی
دکتری روان‌شناسی بالینی

◀ دکتر مسعوده هنریان
دکتری تخصصی مشاوره

چکیده: هدف پژوهش حاضر بررسی علل و عوامل موثر بر طلاق در میان زوجین مراجعه کننده به دادگاه‌های خانواده در شهر تهران می‌باشد. روش پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی است که در آن به مطالعه عوامل درگیر در موضوع طلاق در زوجین تهرانی پرداخته می‌شود. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که شامل اطلاعات جمعیت شناختی و ۱۶ سوال با توجه به مشکلات شایع بین همسران است و با روش ۴ امتیازی لیکرت نمره‌گذاری شده است و دارای اعتباری برابر با $a = .70$ است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون خی دو و آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج نشان داد که بیشترین تعداد متقاضیان دارای سن بین ۲۰ تا ۳۰، در پنج سال اول زندگی زناشویی و دارای تحصیلات دیپلم بودند. همچنین عامل عدم مهارت‌های ارتباطی نسبت به سایر علل طلاق از رتبه بالاتری برخوردار بود.

واژگان کلیدی: زوجین، عوامل موثر بر طلاق دادگاه‌های خانواده تهران، عدم مهارت ارتباطی

تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۹/۹

تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۲/۳۰

Masoudeh.honarian@yahoo.com
J.younesi@uswr.ac.ir

نویسنده پاسخگو: مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره نیک‌اندیش

مقدمه:

هالفورد^۵ ترجمه تبریزی، (۱۳۸۴). در ایران نیز به دلیل باورهای فرهنگی، طلاق در استرسورهای روانی- اجتماعی محور چهار DSM-IV نسبت به کشورهای خارجی دارای رتبه بالاتر برای زنان می‌باشد، و این می‌تواند حاکی از آسیب‌زایی شدیدتر وقوع این رویداد در فرهنگ ایران باشد. همچنین مشاجرات لفظی با همسر، مرگ همسر، زندگی جدا از همسر، مورد بی‌توجهی واقع شدن، مسئله داشتن با خانواده همسر و در معرض خشونت فیزیکی قرار گرفتن به عنوان استرس‌های شدید امور زندگی در ایران محسوب می‌شود (دیواندری، ۱۳۷۸).

مشکلات ارتباطی با خطر توسعه اختلالات روانی فردی مانند افسردگی در زنان، سوء مصرف الکل در مردان، بد کار کردی جنسی در هر دو جنس و مشکلات رفتاری در کودکان به ویژه پسران همراه است (گریج و فینچمن، ۱۹۹۰، ایمری و جویس، ۱۹۸۲). همچنین مشکلات ارتباطی با بیماری جسمانی نیز همبستگی دارد. به طوری که افرادی که روابط رضایت‌بخش و حمایت‌کننده دارند احتمال کمی وجود دارد که مبتلا به بیماری سختی شوند و اگر هم بیمار شوند سریع تر بهبود می‌یابند (شر، ۱۹۹۷، مارگولین و بورمان، ۱۹۹۲). به نقل از هالفورد، ترجمه تبریزی، (۱۳۸۴). بنابراین بهبود روابط رضایت بخش می‌تواند برای زن و شوهر و فرزندان فواید زیادی از جمله افزایش سلامت روانی و جسمانی و افزایش انعطاف

ازدواج پیمان مقدسی است که از طریق آن خانواده شکل می‌گیرد و خانواده اولین سازمان اجتماعی است که فرد در آن زندگی می‌کند و اساساً یک کانون کمک، تسکین، التیام و شفابخشی است و کانونی است که باید فشارهای روانی وارد شده بر اعضای خود را تخفیف دهد و راه رشد و شکوفایی آنها را هموار کند (گلدنبرگ، ترجمه نقش‌بندی و همکاران، ۱۳۸۲). به گفته مارکمن و هالوی^۱ (۱۹۹۳) تقریباً همه زوجینی که ازدواج می‌کنند در ابتدای ارتباطشان سطح بالایی از رضایت زناشویی را گزارش می‌کنند. اما این رضایت از رابطه در طی زمان و در میان بسیاری از زوجین کاهش می‌یابد (برادبری، ۱۹۹۸). بارزترین شاخص آشفته‌گی زناشویی طلاق است و طلاق در همه جوامع حالت همه گیر پیدا کرده است. تجربه طلاق برای بسیاری از افراد دردناک است (گلیک، ۱۹۸۹). اما نرخ طلاق تنها یک جنبه از جمعیت کل زوجینی را که مشکلات ارتباطی دارند نشان می‌دهد. سایر زوجینی که مشکلات ارتباطی دارند؛ بنا به دلایلی مانند گرفتاری‌های مالی طلاق و تصورات شخصی و فرهنگی در مورد طلاق، تصمیم می‌گیرند به زندگی در کنار هم ادامه دهند. آشفته‌گی زناشویی و طلاق، بعد از مرگ ناگهانی در خانواده شدیدترین فشارهایی هستند که افراد تجربه می‌کنند (بلوم، آشر و وایت، ۱۹۸۷). به نقل از

مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها بسیار مشاهده می‌شود و عامل بسیار مهمی در بروز طلاق می‌باشد اختلال شخصیت پارانویید است. این اختلال که هسته مرکزی آن را عدم اعتماد به دیگران و بدبینی و بددلی تشکیل می‌دهد، از عوامل مشکل ساز جدی در روابط با دیگران و روابط زناشویی است. این‌گونه افراد، جهان خارج را در جهت مقابل و متضاد با خود می‌بینند و احساس عدم اعتماد به دیگران را همراه خود دارند. دائما در این فکرند که دیگران در پی ضربه زدن به آنان یا در حال توطئه‌چینی علیه آنان هستند، همسران از این قائده مستثنا نیستند. بددلی نسبت به همسر از ویژگی‌های بارز آنان است. آنان تمایل جدی به دانستن تمام ابعاد روابط همسرشان با جهان خارج دارند. نسبت به جزئی‌ترین گوشه‌های روابط همسرشان با خانواده، دوستان و آشنایان حساسیت جدی دارند. لذا سعی دارند نهایت کنترل و نظارت را بر اعمال، رفتار و روابط همسرشان داشته باشند و هر گونه روابط مبهم از جانب همسر می‌تواند باعث ایجاد احساس شدیدی از اضطراب و حتی خطر در این افراد شود (یونسی، ۱۳۸۸).

عدم بلوغ عاطفی و فکری

بلوغ عاطفی متضمن وجود بده-بستان عاطفی و قابلیت درک احساس دیگری یا همدلی است و فراتر از همه به رسمیت شناختن نیازهای دیگری و پذیرش مسئولیت برآوردن آن نیازها است. ازدواج و تشکیل خانواده به معنی پذیرش این مسئولیت برای همه عمر و قبول تأمین نیازهای شریک زندگی است (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). افرادی که به بلوغ عاطفی نرسیده اند تنها در زندگی به خود فکر می‌کنند. هدف این افراد از ازدواج فقط حمایت شدن است، به طوری که به دنبال یک جاده‌ی یکطرفه در ازدواج هستند. به اصطلاح عامیانه آویزان شدن به شخصی به عنوان شوهر یا زن، اینان در ازدواج نه به دنبال همسر بلکه در پی میزبانی برای ارتزاق هستند (یونسی، ۱۳۸۸).

مشکلات اقتصادی

زوجینی که تحت فشار روانی- اقتصادی هستند با انواع مسائل در حال مبارزه‌اند. در طول زمان وجود فشارهای مالی، ارتباط زن و شوهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فشارها می‌تواند باعث گوشه‌گیری، فشار عاطفی و افسردگی در افراد شود. زوج‌ها آشکار یا پنهان سعی در کنترل یکدیگر می‌کنند یا یکی از آنها دیگری را به خاطر مشکلات مالی، سرزنش می‌کند. همچنین فقر باعث کاهش عزت نفس مرد می‌شود و در نتیجه سبب بروز استبداد یا واکنش‌های مایوس‌کننده نسبت به دیگران از جمله همسر می‌شود و این مسائل باعث تشدید تنش‌های زناشویی می‌شود (یانگ و هافرت^{۱۱}، ۱۹۹۸).

اعتیاد

اعتیاد به مواد مخدر یا الکل، تأثیرات زیانباری بر فرد، خانواده و

پذیری آنها در فشارهای زندگی را دربر داشته باشد. طبق تحقیقات دفتر امور آسیب‌دیدگان سازمان بهزیستی، طلاق در ایران نسبت به گذشته افزایش یافته است، به طوری که رشد طلاق تا سال ۱۳۷۹ آرام و تقریباً ثابت بود اما از سال ۱۳۸۰ تاکنون شاهد سیر صعودی و چشمگیر طلاق بوده‌ایم و بر طبق آخرین آمارها، میزان طلاق در ایران ۱۱/۲ درصد بوده است که نرخ بسیار زیادی است. امروزه زنان و مردان بدون توجه به اهمیت خانواده و کارکرد آن و همچنین به جهت عدم دقت در تشکیل آن به محض بروز مشکلات، در عوض یافتن راه حلی برای مشکل به راحتی سبب ازهم‌گسیختگی خانواده می‌گردند. لذا باید ضمن احساس خطر، قضیه را جدی تلقی کرد و عواملی که موجب ناسازگاریها و در نتیجه وقوع طلاق می‌گردند شناسایی کرد و با استعانت از نتایج حاصله نسبت به حل این معضل اجتماعی چاره‌اندیشی کرد.

از آنجا که از نقطه نظر درمان و پیشگیری، درک عوامل متعدد آشفتنگی زناشویی و از هم‌پاشیدگی خانواده، حائز اهمیت است، لذا به بررسی اجمالی عوامل موثر بر طلاق در جامعه ایران پرداخته می‌شود.

عوامل موثر بر طلاق

تفاوت‌های فردی و فرهنگی

بسیاری از اختلافات در روابط زناشویی به دلیل عدم تناسب زوجین از نظر ویژگی‌های فردی و فرهنگی میباشد. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از تناسب سن، تناسب فیزیکی، باورها و عقاید فکری و مذهبی، وضعیت اقتصادی و بافت فرهنگی-اجتماعی.

مشخصات فردی به پیشینه خانوادگی و عوامل شخصی و تجربی ثابتی اشاره می‌کند که هر یک از همسران با خود به رابطه می‌آورند. تجربی که فرد در خانواده قبلی خود داشته به عنوان یک عامل تاریخی با مشکلات ارتباطی همبستگی دارد (برادبری، ۱۹۹۵). همچنین ازدواج و روابط مشابه آن در داخل یک بافت فرهنگی رخ می‌دهد که این بافت، چگونگی ازدواج را تعریف می‌کند. به عبارتی استانداردهای رابطه در بافت فرهنگی، مطرح و تقویت می‌شود. زوجینی که از نظر زمینه‌ی فرهنگی- قومی و نژادی با هم تفاوت دارند، انتظارات و باورهایشان در مورد روابط زناشویی نیز متفاوت است. البته این تفاوت در پیش‌فرضها، مفروضات و باورهای زوجین، می‌تواند منبع قدرت یک رابطه باشد، در صورتی که زوجین بتوانند عاقلانه نقاط قوت و تفاوت فرهنگی شان را در نظر بگیرند. اما در عین حال، تفاوت‌های محسوس در انتظارات زوجین می‌تواند منبع مهم تعارض بین همسران نیز باشد (چائو و جونز^{۱۱}، ۱۹۹۷) به نقل از هالفورد، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴).

مشکلات شدید شخصیتی و روانی

شاخص خطرآفرین برای آشفتنگی رابطه و طلاق، اختلال روانی شخص در گذشته و یا حال است. قسمت اعظم مشکلات ارتباطی و طلاق در میان افراد مبتلا به اختلال روانی شدید، افسردگی و برخی اختلالات اضطرابی گزارش شده است به طوری که می‌توان گفت تعارضات زناشویی و اختلالات روانشناختی به طور متقابل بر روی یکدیگر تأثیر دارند (هالفورد، ترجمه تبریزی، ۱۳۸۷). یکی از اختلالاتی که در بین زوجین

بسیاری از اختلافات در روابط زناشویی به دلیل عدم تناسب زوجین از نظر ویژگی‌های فردی و فرهنگی میباشد. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از تناسب سن، تناسب فیزیکی، باورها و عقاید فکری و مذهبی، وضعیت اقتصادی و بافت فرهنگی- اجتماعی.

دخالته به حریمهای خصوصی و زناشویی را ندهند. این به معنای بی‌احترامی به یکدیگر و در عین حال به معنای پرستش یکدیگر نیست (یونسی، ۱۳۸۸).

عدم مهارت‌های ارتباطی

تحقیقات نشان داده‌اند که وجود نقطه ضعف‌هایی در ارتباط و حل تعارض بین زوجین در ۱۰ سال نخست ازدواج منجر به طلاق و ناراضی‌ت از رابطه می‌شود (مارکمن و هالوگ، ۱۹۹۳). تعاملات نامناسب و بد کار کردی که زوجین درگیر آن می‌شوند در همان چند سال اول ازدواج منجر به افزایش پرخاشگری‌های زبانی و بدنی در رابطه زوجین می‌شود (اولیری^{۱۵}، ۱۹۸۹). مهارت‌های ارتباطی شامل چگونگی صحبت کردن و شنیدن، ابراز محبت، مبادله رفتارهای مثبت و لذت بخش، حل تعارض و اختلاف، داشتن باورها و انتظارات صحیح و واقع بینانه، حمایت متقابل، مهارت‌های جنسی و... می‌باشد.

ابزار فعالانه محبت و سایر عواطف مثبت با تداوم رضایتمندی از رابطه، در ارتباط است در مقابل الگوهای دیگر از قبیل اهانت کردن، بی‌زاری، ترس یا کناره‌گیری عاطفی از همسر، پیش بینی کننده فروپاشی رابطه بوده و گام‌هایی در جهت جدایی هستند. (گاتمن^{۱۶}، ۱۹۹۶). به علاوه هنگام بحث و گفتگو در مورد مشکلات، زوجین آشفته غالباً عجله و انتقاد می‌کنند و می‌خواهند یکدیگر را تغییر دهند (شک و کریستین^{۱۷}، ۱۹۹۲، گاتمن، ۱۹۹۳، هالفورد، ۱۹۹۰، مالوموت و هیوی^{۱۸}، ۱۹۹۵). همچنین زوجین آشفته هنگام صحبت راجع به مشکلات به طور مداوم به یکدیگر گوش نمی‌دهند و از بحث پیرامون مشکلات طفره می‌روند. مشکلات رابطه‌ای در زوجین آشفته نسبت به زوجین آرام، کمتر از طریق گفتگو حل می‌شود.

به علاوه باورها و انتظاراتی که افراد در هنگام ورود به رابطه دارند، خطر آشفتگی رابطه و طلاق را در نخستین سالهای ازدواج بیشتر می‌کند. (لارسن و اولسون^{۱۹}، ۱۹۸۹، فاورز^{۲۰} و اولسون، ۱۹۸۶). زوجینی که باورها و انتظارات غیر واقع‌بینانه‌ای در مورد اهمیت رابطه، روش‌های موثر حل تعارض، اهمیت خانواده و دوستان و نقش‌های جنسیتی دارند، نسبت به زوجینی که بر این باورها نیستند دچار فروپاشی بیشتری در رابطه می‌شوند. اسنادهای منفی که در آن زوجین مشکلات رابطه شان را به صفات منفی و غیرقابل تغییر همسرشان نسبت می‌دهند نیز باعث فروپاشی رضایتمندی از رابطه می‌شود (فینچام و برادبری^{۲۱}، ۱۹۹۰). به هر حال تعامل ضعیف، درک زوجین از یکدیگر را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود که همسران نتوانند از یکدیگر حمایت کنند (به نقل از هالفورد، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۷).

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های جمعیت شناختی و دوره‌های زندگی^{۲۲}، که ریسک ازدواج را بالا می‌برد عبارتند از سال‌های اولیه ازدواج، همخانه بودن، حاملگی قبل از ازدواج، درآمد و تحصیلات پایین، طلاق والدین، عدم وجود ارزش‌های سنتی خانوادگی، ازدواج قبلی، و شغل زنان (آمانو و راجرز^{۲۳}، ۱۹۹۷)، گلزرز^{۲۴}، ۱۹۹۴، (سارانتاکوس^{۲۵}، ۱۹۹۴)، (وایت^{۲۶}، ۱۹۹۱). این فاکتورها به دلیل وجود عدم آمادگی برای انجام نقشهای زناشویی یا حل تعارضات بین شخصی، امکان طلاق را بالا می‌برد.

در پژوهش‌های انجام شده توسط برنز^{۲۷} (۱۹۸۴)، کلیک و

جامعه دارد و یکی از عوامل مهم در بروز طلاق می‌باشد. اعتیاد به مواد مخدر بلای ویرانگر خانواده و جامعه و مخرب‌ترین عامل روح و روان آدمی است. بررسی‌های آسیب شناختی نشان می‌دهد که اعتیاد والدین، سردی کانون خانواده و سستی پیوند عاطفی، احساس شرمساری و سرانجام از هم گسیختگی ساختار خانواده را در پی دارد و احتمال تبهکاری و بزهکاری اعضای چنین خانواده‌ای می‌رود. اعتیاد عوارض جسمی، روانی، اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای دارد. از جمله این عوارض می‌توان به ناراحتی‌های عصبی مانند اضطراب و پرخاشگری، ضعف اراده، بی‌توجهی به مسئولیت‌های فردی، ضعف حافظه، به هم خوردن تعادل روانی، بیکاری و لطمه به اقتصاد خانواده و جامعه اشاره نمود (رشاد، ۱۳۸۹).

خیانت

خیانت به عنوان یکی از علل مهم طلاق و جدایی گزارش شده است. گلاس و رایت^{۱۲} (۱۹۹۷)، سه نوع خیانت را مشخص کردند. خیانت جسمی، عاطفی و ترکیبی از هر دو. در واقع آنها معتقدند ممکن است در یک ازدواج خیانتی اتفاق بیفتد اما هرگز نزدیکی فیزیکی یا جنسی اتفاق نیفتاده باشد. به هر حال خیانت از هر نوعی باشد باعث آسیب‌های عاطفی و روحی فراوانی در ازدواج می‌شود و این مسئله با از دست دادن عشق، از بین رفتن اعتماد، بی‌توجهی و دور شدن زن و شوهر از یکدیگر اتفاق می‌افتد. به علاوه تحمل از دست دادن اعتماد و صدمه ناشی از احساس فریب خوردگی برای برخی از زوج‌ها بیش از تحمل جنبه‌های جنسی خیانت، سخت است (براون^{۱۳}، ۱۹۹۱، اسپرینگ^{۱۴}، ۱۹۹۶). شواهد نشان می‌دهد تاثیرات آسیب‌زای ناشی از هر نوع خیانت به قدری قوی است که نشانه‌هایی شبیه آسیب‌های (تروماهای) دیگر مانند اختلال استرس پس از سانحه دارد (گلاس و رایت، ۱۹۹۷).

دخالته اطرافیان

در ایران بسیاری از اختلالات زناشویی نتیجه دخالت‌های نابجا و غیرمنطقی خانواده‌های اصلی در روابط زناشویی زوجین است. متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها پس از ازدواج به استقلال فرزندان خود احترام نمی‌گذارند به خود اجازه هر گونه مداخله را می‌دهند. در بسیاری از موارد پدران و مادران از هر لحاظ، فرزندان خود را تکه‌ای از وجود خود می‌دانند و این اجازه را به خود می‌دهند که درباره مسائل زناشویی آنها تصمیم‌گیری یا اظهار نظر کنند. در این گونه موارد، والدین به تمایز خود از فرزندان خویش نرسیده‌اند. در مواردی هم مشاهده می‌شود که فرزندان به تمایز خود از دیگری نرسیده‌اند. این تمایز به معنای قطع رابطه نیست بلکه بدین معنا است که والدین و فرزندان ضمن حفظ حس استقلال خویش و احترام به حریم‌های خصوصی یکدیگر، همچنان به هم محبت کنند و در عین دوست داشتن یکدیگر، اجازتی

۹۹ بر طبق آخرین آمارها، میزان طلاق در ایران ۱۱/۲ درصد بوده است که نرخ بسیار زیادی است. امروزه زنان و مردان بدون توجه به اهمیت خانواده و کارکرد آن و همچنین به جهت عدم دقت در تشکیل آن به محض بروز مشکلات، در عوض یافتن راه حلی برای مشکل به راحتی سبب از هم گسیختگی خانواده می‌گردند

پرداخته می‌شود.

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش کلیه زوجین مشکل دار مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده در دو منطقه جنوب و شمال تهران می‌باشد. تعداد نمونه پژوهش حاضر ۴۹۲ نفر است که جهت مشاوره برای حل

مشکل به گروه مشاوره‌ی مستقر در دادگاه‌ها ارجاع شده بودند. جهت انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند و داوطلبانه استفاده شد. بدین ترتیب که زوجین مشکل‌داری که به دادگاه مراجعه می‌کردند و بنا به تشخیص قاضی پرونده و یا معاونت ارجاع دادگاه، مناسب برای مشاوره جهت حل مشکل، بودند و به علاوه زوجین نیز مایل به حضور در مشاوره بودند، به گروه مشاوره ارجاع می‌شدند. لازم به ذکر است موارد اعتیاد بنا به درخواست گروه مشاوره، حدالامکان ارجاع نمی‌شدند.

ابزار پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که ابتدا

اطلاعات جمعیت‌شناختی نظیر سن، سطح تحصیلات، شغل، مدت ازدواج، خواهان طلاق، اقدام قبلی برای طلاق، مراجعه قبلی برای مشاوره و تمایل به حل مشکل در آن کسب می‌شد و سپس ۱۶ سوال با توجه به مشکلات شایع بین همسران پرسیده می‌شد. این پرسشنامه با روش ۴ امتیازی لیکرت (۱ برای گزینه کاملاً موافقم، ۴ برای گزینه کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود. در این پرسشنامه عواملی نظیر رضایتمندی از ویژگی‌های شخصیتی، رضایتمندی کلی، رضایتمندی از نحوه ابراز عشق، رابطه جنسی، فرزند پروری، دخالت والدین، جهت‌گیری مذهبی، اعتماد، تعارضات و اعتیاد بررسی می‌شود. اعتبار این پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ برابر با $\alpha = .70$ است که اعتبار قابل قبولی است.

1. Markman & Hallwey	18. Malmuh & Heavey
2. Bradbury	19. Larsen & Olson
3. Glick	20. Fawers
4. Bloom, Asher & White	21. Fincham & Bradbury
5. Hulford	22. Life course
6. Grych & Finchman	23. Amato & Rogers
7. Emery, Joyce	24. Glezzer
8. Scherr.	25. Sarantakos
9. Margolin & Burn	26. White
10. Chao & Jones	27. Burns
11. Yeung & Hofferth	28. Cleek & Pearson
12. Glass & Wright	29. Wolcott
13. Brown	30. Noller
14. Spring	31. Ghyyur
15. Oliriy	32. UAE
16. Gottman	33. Wolcott & Huges
17. Shenk & Christensen	34. Sexual incompatibility

پیرسون^{۲۸} (۱۹۸۵)، ولکات^{۲۹} (۱۹۸۴) (و نولر و همکاران^{۳۰} ۱۹۹۷)، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، خلق پایین و غمگین، کمبود عشق، ناسازگاری، خیانت، بیماری روانی، مشکلات عاطفی، تعارض در مورد نقش‌های زن و مرد و ویژگی‌های شخصیتی همسران به عنوان دلایل طلاق عنوان شد.

در پژوهشی توسط گایر^{۳۱} (۲۰۱۰) که بر روی ۴۰۲ مسلمان مطلقه در آمریکای شمالی انجام شد نتایج زیر بدست آمد: بالاترین مقدار پاسخ دهنده‌ها در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال بودند و در ۵-۲ سال اول ازدواج به سر می‌بردند. در اکثر موقعیت‌ها، زنان متقاضی طلاق بودند، دلایل طلاق به ترتیب اهمیت عبارت بودند از:

ناسازگاری، خشونت شامل خشونت عاطفی، کلامی، فیزیکی و جنسی، سوءاستفاده مالی، دخالت خانواده و خیانت. چند نکته در این بررسی قابل توجه بود. اکثریت طلاق‌ها در پنج سال اول زندگی اتفاق افتاده و این مسئله به وضوح نشان دهنده نیاز همسران در سال‌های اول زندگی برای تلاش بیشتر جهت حمایت، تقویت و رشد ارتباط می‌باشد. نکته دوم اینکه خانواده‌های زنان پاسخ‌دهنده، حمایت زیادی از دختران خود در مسئله طلاق کرده بودند، در حالی که طبق عقاید سنتی، والدین در مقابل طلاق بچه‌ها مقاومت می‌کردند و آنها را به دلایل حفظ آبرو و احترام خانواده و سرنوشت بچه‌ها تشویق به ادامه رابطه می‌کردند. نکته سوم اینکه زوجین نمونه قبل از طلاق برای حل مشکلات رابطه‌ای خود از بستگان و خانواده، دوستان و رهبران مذهبی کمک گرفته بودند و تنها عده کمی از آنان به متخصص و مشاور مراجعه کرده بودند.

در پژوهش دیگری بر روی ۱۳۳۵ زن و مرد اماراتی که توسط متخصصین دانشگاه یو‌آی‌ای^{۳۲} (۲۰۱۰) انجام شد، مهارت‌های ارتباطی ضعیف بین زن و شوهر که منجر به ایجاد سوء تفاهم‌هایی بین همسران می‌شود به عنوان اصلی‌ترین علت طلاق شناخته شد. در این مقاله مشخص شد که دلایل عمده طلاق انتظارات غیر واقع بینانه، عدم آگاهی زوجین از نقش‌های خود در رابطه زناشویی و لزومات یک زندگی مشترک و سوءرفتار می‌باشد.

در بررسی دیگری بر روی ۱۶۵۰ استرالیایی مطلقه توسط ولکات و هاگز^{۳۳} از سری مطالعات انجمن خانواده استرالیا در سال ۱۹۹۹، مشکلات ارتباطی به خصوص کیفیت عاطفی ارتباط، ناهماهنگی، خیانت، رفتارهای خشونت آمیز شامل خشونت فیزیکی با همسر و بچه‌ها، خشونت عاطفی و کلامی، اعتیاد به مواد و الکل، حسادت، برتری طلبی، عدم بلوغ و بیماری‌های جسمی و روحی (البته با برتری بیماری روحی) به عنوان علل طلاق طبقه‌بندی شدند. همچنین در این پژوهش مشخص شد که تنها بخش کوچکی از پاسخ‌دهنده‌ها (کمتر از ۲٪) ناهماهنگی جنسی^{۳۴} را به عنوان علت اصلی طلاق ذکر کردند.

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر بر بروز طلاق در زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده در شهر تهران می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی است که در آن به مطالعه عوامل درگیر در موضوع طلاق در زوجین تهرانی

اکثریت طلاق‌ها در پنج سال اول زندگی اتفاق افتاده و این مسئله

به وضوح نشان دهنده نیاز همسران در سال‌های اول زندگی برای تلاش بیشتر جهت حمایت، تقویت و رشد ارتباط می‌باشد. نکته دوم اینکه خانواده‌های زنان پاسخ‌دهنده، حمایت زیادی از دختران خود در مسئله طلاق کرده بودند، در حالی که طبق عقاید سنتی، والدین در مقابل طلاق بچه‌ها مقاومت می‌کردند و آنها را به دلایل حفظ آبرو و احترام خانواده و سرنوشت بچه‌ها تشویق به ادامه رابطه می‌کردند